

تادنبال بچه ها برگردیم اما ماموران کلاتری گفته‌اند وظیفه ما این نیست که دنبال بچه های مهاجر بگردیم. از هلال احمر خواسته ایم تا سگ های زنده باب باورد تا شاید بچه ها را در مزرعه ها پیدا کند. اما هلال احمر می گوید که وظیفه ما نیست. اوزرانس اجتماعی هم می گوید وظیفه ای در برابر نجات این بچه ها ندارد. پلیس امنیت قرار است روز شنبه ما را بپذیرد.»

پول ها و گوشی های مان را بردند

مزرعه های بلال اطراف، پر از سگ هایی است که هر چند وقت یکبار به گله ها حمله می کند و گوسفند ها را می درند. تمام بلوچ ها از این سگ ها می ترسند و وا همه دارند. پدر و مادر هفت دختر و بچه و پسر بچه گم شده تمام ترس شان از این است که بچه ها را سگ ها دریده باشند. از طرفی داخل مزارع بلال بیشتر از نیم ساعت نمی شود نفس کشید. صالح می گوید: «نصفه شب وحشت زده یک سری از بچه ها را دیدیم که رفتند توی مزرعه های بلال، یک سری هم سمت جاده فرار کردند.» صالح کنار رفیقش نشسته و دایره دایره ویرانه هایی که سال هادر آن زندگی می کردند را تماشای کند. او می گوید: «دهیار ها آمده بودند، پلیس امنیت و گشت ارشاد هم بود. همه وسایل خانه ها را بردند. گوشی ام و حتی دیگی که هر سال در آن نذری امام حسین درست می کردیم را هم بردند. پول های توی جیب مان را هم خالی کردند و دیگر نمی توایم تا یک خیابان آن طرف تر هم برویم. موتور های مان را هم با خودشان بردند.» بلوچ های گویند که تعداد ردمرز شده ها ۱۶ تویوس آدم بوده که همگی از قوچه حصار بوده اند. در منطقه اسماعیل آباد وقتی نیمه های شب ماموران به آنجا رفته بودند، چند خانه آتش گرفته است. صابر می گوید: «یک هفته پیش یک گروه آمدند اینجا گفتند ما گروه بهداشت هستیم. با دو تاون آمدند توی خانه ها و یکی یکی اسم و فامیل های مان را پرسیدند. تگو داشتند ما را شناسایی می کردند برای ردمرز و ما خبر نداشتیم. به دروغ گفتند به شما کانکس و پول می دهیم تا زندگی کنید.» صالح حرف های صابر را می شنود و برای برادر گمشده اش نگران است. می گوید: «سگ های اینجا همه وحشی هستند. همین چند هفته پیش دو تا بز گاله را گرفتند و تکه تکه اش کردند. اگر بوی بچه ها را شنیده باشند، رفتند توی مزرعه بلال و بیدای شان کردند و آن ها را در بیداند.»

یکی از بچه ها در خرابه پیدا شد

شهنواز، دختر بچه ۱۱ ساله را دیروز، یعنی دو روز بعد از حمله پلیس به زاغه های بلوچ نشینان در یکی از خرابه های اطراف پیدا کردند. در حالی که از گرسنگی و تشنگی حتی توانایی صحبت کردن نداشت. دیروز دو بار پلیس به زاغه های بلوچ نشینان پاکستانی هجوم برد و به صاحبان زمین های ذرتی که کارگران مهاجر بلوچ در آن کار می کردند گفت اگر همچنان از این کارگران در مزرعه هایشان استفاده کنند باید سه میلیون تومان جریمه بدهند. در میان زاغه های که با لودر خراب شده اند، حسینه بلوچ ها هم دیده می شود. حسینه ای که با کاغذ های زوروق طلائی و قرمز آن را تزئین کرده بودند و هر سال محرم در آن عزاداری می کردند. این بلوچ ها همگی شان شیعه بودند. از راه کنسولری در زمین های مردم زندگی شان را می گذرانند. پدر محسن و معصومه با گهان از روی زمین بلند می شود و به مزرعه بالامی دود تا میان بوته های بلال بچه هایش را پیدا کند.

«قانون» از تخریب زاغه های مهاجران پاکستانی و ناپدید شدن ۶ کودک گزارش می دهد

رنج بزرگ گمشدگان کوچک

یک کودک از هفت کودک، ظهر دیروز پیدا شد، به همراه گفت و گویا پدر دو کودک



پدر و مادر چند نفر از کودکانی که ناپدید شده اند، حالا در پاکستان هستند و معلوم نیست چه بلایی بر سر بچه های شان آمده. کسی هم نیست تا دنبال بچه ها بگردد یا حتی نمی توانند به پلیس شکایت کنند. محسن ۴ ساله، موسی ۵ ساله، معصومه ۶ ساله، عیسی ۵ ساله، خاتون ۶ ساله و شهنواز ۱۱ ساله کودکان گمشده هستند. معلم مدرسه بچه ها از صبح زاغه به زاغه دنبال شان در قوچه حصار گشته اما نتوانسته ردی از آن ها پیدا کند. او می گوید: «ما به کلاتری محل رفتیم و گفتیم حالا که خانه های این بچه ها را خراب کردند و پدر و مادرشان را هم در مزرعه ها پاره پاره کرده اند، ما کمک کنید

با خودشان برنند. باید چند روز جلوتر به ما می گفتند تا وسایل مان را جمع کنیم و بعد ما را می بردند.» حمید، پدر معصومه و محسن پاسپورت قانونی دار دوهر چند وقت دومه پیش بود. او می گوید: «ما مور هادیشب پاسپور تم را جلوی چشم هایم پاره کردند و جلوم انداختند. من که قانونی وار دایران شده بودم چرا این رفتار را می کنند؟» **مادر و پدر هادر پاکستان و بچه های که در ایران گمشدند**

حالا بیشتر از ۲۴ ساعت از طرح ردمرز پاکستانی ها به کشورشان می گذرد همه آن ها به کشورشان رسیدند.

هدیه کیمیاچی

«ساعت سه نصفه شب بود. همه توی کبرها خوابیده بودیم. بعضی ها هم بالای پشت بام و روی زمین خوابیده بودند تا ناگهان اون ها و ماشین های گشت و پلیس امنیت از راه رسیدند. چند لودر هم همراه شان بود. با صدای لودر ها از خواب پریدیم که دیدیم سقف زاغه دار د پایین می آید. بولدورها خراب می کردند و جلو می آمدند. زن ها، مرد ها و بچه ها فرار می کردند تا زیر او نمانند. مرد ها که زور شان زیاد تر بود، زود تر فرار کردند. اما همه زن ها و بچه ها را گرفتند و بردند. بعضی از بچه ها هم دویند تا خودشان را در مزرعه های بلال کنار زاغه ها پنهان کنند. پنج تا تویوس پر کردند و بردند. شب تا صبح زود در اردوگاه و رامین نگه شان داشتند و صبح زود به سمت زاهدان حرکت کردند. نرسیده به مرز زاهدان پدر و مادر ها گشتند تا کودک شان را در میان تویوس ها پیدا کنند اما هیچ اثری از هفت بچه نبود. مرز زاهدان فامیل های شان که در قوچه حصار مانده بودند تماس گرفتند و خبر دادند که بچه های شان گم شده اند. فامیل ها هم جا را گشتند و بچه ها پیدا نشدند که نشدند.» این ها حرف های صالح است. پسری که خواهرش در طرحی که پلیس اسمش را طرح جمع آوری مهاجران گذاشته گم شده و خبری از او ندارد. منطقه قوچه حصار پر از مزارع بلال و سبزی کاری است که کودکان و زنان بلوچ روز ها در آن کار می کنند تا دستمزد اندکی بگیرند. خانه های شان زاغه هایی است که از بلوک های سیمانی به هم چسبیده، تیوپ های تایلر کامیون، تکه های نئوپان که از زیاله های داخل شهر جمع آوری کرده اند و پتو های چرتاب ساخته شده است. پتو هایی که تکه های نور گیر سفار می پوشاند تا گرمی هوا و آفتاب به داخل نفوذ نکند. حالا نزدیک به ۱۰ ساعت از طرح پلیس می گذرد و تمام اجزای خانه ها با ضرب و های لودر از هم پاشیده است. بلوچ هایمان مزرعه های بلالی که روی آن کار می کنند، این زاغه ها را ساخته اند. زاغه های که روی آن ها ۲۰ ساله است و ساکنان شان ۱۰ سال است که در همین منطقه زندگی می کنند اما نه شناسنامه دارند و نه رفتار درستی با آن ها می شود.

سگ های وحشی بچه ها را بردند

حمید، پدر معصومه و محسن همراه با پنج خانواده دیگر در کنار یکی از این مزارع زندگی می کنند. او صبح زود از همسرش شنید دختر ۹ ساله و پسر ۱۱ ساله اش گم شده اند. تمام مزرعه بلال روبه روی زاغه شان را گشت اما دختر و پسرش را پیدا نکرد. حالا با موتور یکی از دوستانش از راه می رسد. از صبح به تمام زاغه های دوست و آشنایان شان سر زده و معصومه را پیدا نکرده. لباس قهوه ای بلند بلوچی پوشیده و از موتور پیاده می شود. روی یکی از تایلر های کامیونی که تادینبش تکه ای از دیوار زاغه شان را درست کرده بود، می نشیند و می گوید: «ما بچه گله ای کردیم که با اینگنر ما را میگردن و میبرن؟ هفت تا بچه گم شدن. وقتی بچه کوچک بره تو بلال ها سگ می گیرش این بچه ها از ترس مامور فرار کردن، معلوم نیست کجا رفتن. سراغ همه فامیل های مان رفتم اما کسی از شان خبر نداره. مادرش را هم همشان ررسیدن یا پاکستان. مادرش به من زنگ زد گفت همه ماشین ها را گشتم، معصومه و محسن اینجا نیستن. آن ها هم فکر کردن اینجا پیش منه.»

آتش سوزی در شرکت شیر پگاه

ایستنا: آتش سوزی در شرکت شیر پگاه خوزستان مهار شد. «محسن خبازی» مدیر روابط عمومی صنایع شیر ایران گفت: آتش سوزی رخ داده در شرکت شیر پاستوریزه پگاه خوزستان با تلاش و هوشیاری ماموران آتش نشانی این استان مهار شد. وی افزود: در این حادثه یک سوله شامل سه انبار ذخیره مواد شیمیایی، محصولات تولیدی و انبار مواد بسته بندی شرکت طعمه حریق شد که خوشبختانه کسی آسیب دید. همچنین دکتر «حسینی» مدیر عامل شرکت صنایع شیر ایران به همراه کسبکاری از مدیران بازرگانی به خوزستان در محل حادثه حضور یافت. آن ها ضمن بازدید از بخش های آسیب دیده، از روند کار مجموعه بدین کردند و توصیه های لازم برای جلوگیری از بروز چنین حوادثی نیز مطرح شد. آن ها بر ادامه روند کار تأکید داشتند. خبازی خاطر نشان کرد: پس از اطفای حریق، با توجه به اینکه به بخش های تولیدی آسیب وارد نشد، شرکت روند عادی خود را پی گرفته و همه چیز تحت کنترل است و تولید محصولات این واحد همچون گذشته ادامه دارد. در این زمینه باید از تلاش پرسنل شرکت و همچنین ماموران آتش نشانی به علت وظیفه شناسی و عملکرد مثبت تقدیر و تشکر داشته باشیم.

واژگونی تویوتای حامل اتباع افغان، ۲۰ کشته و مجروح به جا گذاشت

ایستنا: بر اثر واژگونی یک دستگاه تویوتا حامل اتباع افغان، ۲۰ کشته و مجروح شدند. پیر حسین کولیوند، سرپرست سازمان اورژانس کشور در مورد جزئیات این حادثه اظهار کرد: حوالی ساعت ۱۳:۱۳ دیروز واژگونی یکی دستگاه خودروی تویوتا در محور خسران-سراوان به سامانه ۱۱۵ اورژانس اعلام شد و بلافاصله ۶ دستگاه آمبولانس برای انجام اقدامات لازم به محل حادثه اعزام شدند. سرپرست سازمان اورژانس کشور با اشاره به اینکه حادثه دیدگان اتباع افغان بودند، افزود: بر اثر این حادثه پنج جان خود را از دست دادند و ۱۵ نفر نیز مجروح شدند که از این میان سه نفر توسط تکنیسین های اورژانس در محل درمان شدند و ۱۲ نفر دیگر برای دریافت خدمات درمانی بیشتر به مراکز درمانی منتقل شدند.

متهم به قتل

پای چوبه دار بخشیده شد

ایرنا: مدیر کل زندان ها و اقدامات تامینی و تربیتی استان زنجان گفت: با مسألت مقام های قضایی، ریثت سفیدان و معتمدان این استان، خانواده مقتول پای چوبه دار از خون قاتل گذشتند و رضایت دادند. علاءالدین کریمی روز پنجشنبه افزود: آغاز این پرونده از یک درگیری ساده شروع شده بود تا دردی یک اتفاق ناخواسته مرد میانسال مرگبار قتل عمد شود. وی اظهار داشت: همه افراد جامعه باید به نتیجه عمل و رفتاری که از آن ها سر خواهد زد فکر کنند، تا شاهد اتفاقات ناگوارى مانند این قتل نباشیم. این مسئول خاطر نشان کرد: در آموزش مناسب، آسیب های اجتماعی به میزان زیادی امکان کنترل و کاهش دارد. بنابراین خانواده، مسئولان و متولیان امر باید در این حوزه روی آموزش برنامه ریزی و تأکید داشته باشند. مدیر کل زندان ها و اقدامات تامینی و تربیتی اضافه کرد: باید برای فرهنگ سازی مسأله «گذشت»، که باعث نجات یک فرد دیگر می شود، در جامعه پیش از این ها تلاش شود. جافانندان این فرهنگ در جامعه باعث ارتقای رفتار مردم در برخورد با این گونه مسأله می شود. سال گذشته با وسألت ریثت سفیدان، معتمدان شهر و برخی مسئولان، خانواده هفت مقتول راضی شدند از خون محکومان به قضای گذشته و رضایت دهند.

قتل میهمان باشوخی مستانه



شعبه ششم دادرسی ناحیه ۲۷ تهران برای انجام تحقیقات تکمیلی در اختیار اداره دهم ویژه قتل پلیس آگاهی تهران قرار گرفته است.

قانون پلاس: میهمانی شبانه مرد ۴۰ ساله در منطقه شهرک غرب تهران کار دست او داد. وی هنگامی که اسلحه شکاری را به سوی میهمانش گرفت، تصور نمی کرد روی ربه قتل خواهد رسید. ساعت ۶:۱۵ مرد واقع تیراندازی منجر به مرگ به کلاتری ۱۳۴ شهرک قدس اعلام شد. با حضور ماموران در محل اعلام شده در خیابان فلاکک تا تأیید خبر فوت مردی ۴۷ ساله موضوع به اداره دهم ویژه قتل پلیس آگاهی تهران اعلام شد. پرونده قضائی با موضوع قتل عمد تشکیل و تحقیقات آغاز شد. در همان تحقیقات اولیه مشخص شد که مقتول به عنوان میهمان همراه با تعداد دیگری در محل جنایت حضور داشته که صاحبخانه به هويت «فرهاد» ۴۰ ساله

کلاهبر داری میلیاردی با عنوان تهیه ضمانتنامه های بانکی



هیچ گونه طرح شکایتی در هیچ مرجع قضایی و انتظامی نداشته و همین موضوع زمینه اصلی ادامه فعالیت آنان و کلاهبرداری یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومانی از سوی آن ها بوده است. وی در پایان این خبر گفت: با توجه به اعتراضات صریح متهمان به کلاهبرداری از تعداد زیادی از مالباختگان و به منظور شناسایی دیگر جرایم ارتکابی به ویژه مالباختگان در این پرونده، هماهنگی لازم با

شده این زن و شوهر با یک پژو پارس سفید رنگ به یک آژانس کرایه خودرو در منطقه مهر آباد جنوبی تر دد داشته و از طریق تعداد مشخصی از رانندگان آژانس و با پرداخت کرایه های بیشتر به آن ها نسبت به ارسال اسناد و مدارک معجول و در نهایت در یافت پول از افراد متقاضی دریافت وام اقدام می کنند که این آژانس شناسایی و تحت مراقبت کار آگاهان قرار گرفت. سرانجام ساعت هفت غروب ۳۱ تیر، متهمان در زمان مراجعه به آژانس برای تحویل گرفتن پاکت های حاوی پول دریافتی از رانندگان آژانس کرایه اتومبیل دستگیر شدند. در بازرسی از مخفیگاه آن ها در منطقه مهر آباد جنوبی اسناد و مدارک معجول از جمله فیش های حقوقی و احکام کارگزینی صادر شده به نام شرکت های گیتی فراز و تعاونی سازه گستر به همراه مهر های ساخته شده به نام این دو شرکت کشف شد.

حریق انبار در خیابان فداییان اسلام

ایلنا: یک انبار کالا در خیابان فداییان اسلام دچار آتش سوزی شد و خسارت های فراوانی به بار آورد. ساعت ۰۲:۲۸ صبح دیروز آتش سوزی گسترده ای و ۵۰۰ میلیون تومانی از سوی آن ها بوده است. وی در پایان این خبر گفت: با توجه به اعتراضات صریح متهمان به کلاهبرداری از تعداد زیادی از مالباختگان و به منظور شناسایی دیگر جرایم ارتکابی به ویژه مالباختگان در این پرونده، هماهنگی لازم با

آمده بود. داخل یکی از این سوله ها (به وسعت سه هزار متر با بدنه و سقفی از جنس ورق های شیروانی) مقدار بسیار زیادی لوازم خانگی به ویژه بولورجات به صورت فله ای و بسته بندی شده در حجم بسیار زیاد چیده شده بود. بخش زیادی از سقف ها و دیوار ها به علت نامقاوم بودن در برابر حرارت در لحظات اولیه تخریب شده بودند. زمانی که آتش نشانان به محل حادثه رسیدند، محل به طور کامل شعله ور بود. چند دستگاه کانکس در کنار این سوله ها قرار داشت که آن ها نیز شعله ور بودند. سید جلال ملکی، سخنگوی سازمان آتش نشانی تهران گفت: خوشبختانه تا این لحظه مورد مصدمیت گزارش نشده است.